

...این نیز یکی دیگر از نکات جالب تاریخ بود که رهبران سرزمین انقلاب اکتبر در سالن کوچکی که تالار اکتبر نام داشت محاکمه می شدند، و جالب تر آنکه نخستین نمایش نمایشنامه استالین در ۱۹ اوت مصادف با آغاز فصل تئاتر در مسکو بود.

طراحان صحنه، تالار اکتبر را به یک دادگاه انقلابی تبدیل کرده و آن را با سایه روشنهایی از رنگ سرخ تزئین کرده بودند. میز قاضی با پارچه ای به رنگ قرمز روشن پوشیده شده بود. متهمین در نزدیک دیوار دست راستی در پشت یک مانع چوبی نشسته بودند. در پشت سر آنها دری بود که به اتاقی که می توان آن را «رخت کن» خواند، باز می شد. آنجا بوفه ای و اتاق استراحتی برای متهمین بود و یاگودا و ویشینسکی، دادستان، می توانستند در جریان محاکمه گفت و گوهای دوستانه ای با متهمین داشته باشند، در صورت ضرورت از عملکرد آنها انتقاد کنند و دستورالعمل های لازم را به آنها بدهند.

در تالار، هنرپیشگان اضافی نیز وجود داشتند. ماموران کمیساریای خلق در امور داخلی با لباس شخصی نقش «مردم» را بازی می کردند. اگر متهمین از متن اصلی به شکلی که قبلا تمرین شده بود پیروی نمی کردند، کار این «مردم» این بود که با خشم فریاد بکشند.

اتهام متهمین این بود که به پیروی از دستورالعمل های تروتسکی «کانونی» به منظور سوء قصد به جان رهبران حزب و دولت تشکیل داده اند، آنها موفق شده بودند کیروف را به قتل برسانند و تعدادی گروه تروریستی برای کشتن استالین و همزمان وفادارش ایجاد کنند.

ویشینسکی، دادستان عمومی خواستار آن شد که این «سگ های دیوانه» (شانزده متهم) تیرباران شوند. بعد از آن متهمان که همه از بلشویک های معروف بودند، مشتاقانه به گناه خود اعتراف کردند و خود را نادم و پشیمان اعلام کردند.

زینویف این طور گفت: «بلشویسم منحرف شده ی من به ضد بلشویسم تبدیل شد و از طریق تروتسکیسم به فاشیسم رسیدم. تروتسکیسم در واقع نوعی فاشیسم است». کامنوف نیز گفت: «سومین بار است که در یک دادگاه پرولتاریایی محاکمه می شوم. دو بار زندگی من نجات داده شده اما بخشش پرولتاریایی نیز حد و اندازه دارد.» متهمان متفقا خواستار تیرباران شدن گشتند. بار دیگر، محاکمه به گونه ای بود که از این بهتر و آرامتر امکان نداشت.....

.....

برگرفته از «زندگینامه استالین» نوشته ادوارد راژینسکی، ترجمه مهوش غلامی، انتشارات اطلاعات، ۱۳۹۰.